

# بررسی زیست علمی - اخلاقی سیدمحمدباقر صدر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۹/۱۸

مریم برادران حقیر\*

## چکیده

اگر تمایز علم دینی با علم رایج در تقسیم علم، به جز توجه به موضوع و روش، توجه به معلم است، شناخت معلمانی که در باور و منش و خلق علم دینی به پیشگامی شناخته شده‌اند، تسهیل کننده مسیر حرکت است. بنابراین این مقاله با مرور زندگی و آثار سیدمحمدباقر صدر قصد دارد سیره علمی - اخلاقی او را در چند مضمون کلیدی به تصویر بکشد؛ چراکه به گفته سیدمحمدباقر صدر هدایت دیگران تنها از راه ارائه مفاهیم و اعطای نظریه‌های محض نیست و لازم است اثرگذاری را در سطحی ملموس نیز تحقق بخشید. از آنجا که در جامعه علمی توجه به سیره علمی و عملی علما کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و این مصادیق عینی با ظرفیت‌هایی که دارند، می‌توانند تسهیل کننده رشد منش رهپویان باشند، این مقاله هدف خود را بر این امر نهاده است. به علاوه مطالعه موردی با هدف فهم عمیق و زمینه‌ساز یادگیری می‌تواند در عرصه

\* استادیار گروه معارف اسلامی و علوم تربیتی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران. baradaran@isu.ac.ir

سیاستگذاری فرصتی برای برنامه‌ریزی مبتنی بر شناخت فراهم نماید. به همین دلیل این پژوهش که رویکردی کاربردی دارد، زیست علمی - اخلاقی سیدمحمدباقر صدر را هدف قرار داده است. در این بررسی ضمن ارائه شواهدی که گاه مشابهت با مضمون‌های ارزشی رایج دارد، تفاوت‌های عمده سیدمحمدباقر صدر نیز برشمرده شده و با مرور اجمالی با تأسی به ویژگی ایشان، نکاتی مورد پرسش یا نقادی قرار گرفته است تا با عنایت به مسائل و نیازهای روز، باب اندیشه‌ورزی برای نزدیک شدن به حقیقت و کمال همواره گشوده بماند و این گونه، حیات اندیشه بلند ایشان را تضمین کند.

**واژگان کلیدی:** اخلاقیات، نقش الگو، زیست علمی - اخلاقی، مسئولیت اجتماعی، عالم دینی، سیدمحمدباقر صدر.

## مقدمه

سیدمحمدباقر صدر با دو قاعده به هم وابسته، مبنای خود را در انسان‌شناسی ترسیم می‌کند؛ قاعده شهادت که ادامه قاعده استخلاف\* است و بدین وسیله امتداد ضروری

---

\* صدر در قاعده استخلاف، در چارچوب انسان‌شناسی دینی خود، انسان را در طول رابطه با خداوند قرار می‌دهد و حکمت حضور انبیا و رسالت ایشان در زندگی انسان‌ها و مبنای وجود روز قیامت را روشن می‌سازد. او ضمن بیان این قاعده به خلافت عامه اشاره می‌کند و استخلاف را در دو مورد خلاصه می‌کند: (۱) استخلاف یعنی عطای امانت که در توأمان با استئمان و استتمام، جعل همان امامت و خلافت است. (۲) عرضه و پذیرش امامت امری تکوینی است نه تشریحی. او در بیان این قاعده، علاوه بر تلاش برای تنظیم روابط اجتماعی طبق ویژگی‌های وجودی انسان، با بیان ارتباط میان اصل استخلاف و فطرت، تکیه‌گاهی برای وحدت میان آحاد بشر و امت‌سازی جهانی را پی‌ریزی می‌کند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: محمدباقر صدر؛ اسلام راهبرد زندگی، بارقه‌ها، جامعه‌ما؛ ترجمه مهدی زندیه؛ [بی‌جا]: دار الصدر، ۱۳۹۳).

خلافت عمومی انسان را نشان می‌دهد. او با بیان شواهد قرآنی، وجود مقام شاهد به عنوان تجلی وجوه الهی را ضروری می‌شمرد و در این راستا امامت را امری واحد معرفی می‌کند و نقشی مشترک برای امامان قایل است که در دو خط نمود می‌یابد: اول، اصلاح کجروی و تلاش برای به‌دست‌گرفتن زمام تجربه؛ دوم، خط استوارسازی امت اسلامی که وجود مادی رسالت اسلامی به شمار می‌رود (صدر، ۱۳۹۴). بنابراین «شاهد» مظهر وجوه الهی است که به شکل محسوس درآمده تا انسان را با تمام ویژگی‌هایش به مسیر حق هدایت کند.

زمینه‌ای که انسان ارزش‌ها و آرمان‌ها را احساس می‌کند و در اشخاص مشخصی واقعیت می‌یابد که خداوند - تبارک و تعالی - با عنایت و لطف و گزینش خود ایشان را به آن ویژه گردانده است. ایشان همان پیامبران و رسولانند که تا بدان جا فراز می‌شوند که معقولات کامل در سراسر نظرشان محسوسات می‌گردد و هر آنچه ما از ارزش‌ها و آرمان‌ها به طور عقلی فهم می‌کنیم و نمی‌کنیم، نزد ایشان امری حسی می‌شود؛ آن را حس می‌کنند، می‌شنوند و می‌بینند (همان، ص ۸۷).

هرچند تلاش صدر برای ایجاد ارتباط و وحدت میان رسولان و بندگان با ابهامی مواجه است و او چگونگی تنزل مقام ارزش‌ها و آرمان‌ها به حوزه محسوسات پنج‌گانه را بی‌پاسخ می‌گذارد، در بسط نظر، زمینه اشتراک الگوی ربّانی و انسان دنیایی را «حس» معرفی می‌کند. «پرورش حس تا آنجا که معقولات را به محسوسات بدل کرده، آنها را می‌بیند و می‌شنود». پرسش دیگری را به وجود می‌آورد که چطور فراز شدن از سطح احساسات و نیازهای مادی دوباره باعث تنزل به سطح همان احساسات پنج‌گانه مادی می‌شود؟ عدم تفکیک صدر میان حواس در قبل و بعد از فراز شدن باعث به‌وجود آمدن دور شده است و روایاتی از دیدار پیامبر ﷺ و فرشته جبرئیل هم مبنی بر آن است که سایر انسان‌ها، حتی



یاران نزدیک و رشدیافتگان مکتب رسول خدا ﷺ هم از دیدن و ادراک حسی فرشته الهی ناتوان بودند. علاوه بر این، وجود چنین ویژگی‌هایی به صورت خدادادی در یک فرد، شبیه هیچ کدام از انسان‌های عادی نیست که در مقایسه با رشد کوتاه‌مدت اولیای الهی، مسیر را گام به گام و از دل تردید و تجربه پیش می‌روند؛ اما نزول ارزش‌ها و آرمان‌های الهی در سطح محسوسات آدمی نشانه بزرگی برای اعتماد به مکانیزم هدایت و همراهی خداوند در مسیر سخت زندگی بشری است (شکری، ۱۴۰۰).

به بیان صدر ریشه مشکلات اجتماعی انسان از حضور گرایش‌های خودخواهانه در وجود او و از درونش سرچشمه می‌گیرد. انسان که با موضع‌گیری‌های نادرستش موجب فساد در زندگی اجتماعی شده، نیازمند نیرویی است که او را در جهت درست رشد دهد. چون تا وقتی انسان از دست معاصی خود خلاص نشده باشد هر تلاشی برای پایان‌دادن به ظلم‌های اجتماعی بیهوده است. انسان باید با ریاضت روحی به روش دینی، حب ذاتش را در دست بگیرد تا او را به سمت اشباع بی‌حد و مرز غرایز مادی نکشاند. در برنامه تربیت دینی پیامبران اراده انسان در احساس مسئولیتش نسبت به خداوند و آزادی او در عمل دیده شده که با کنترل نفس قادر است از ظلم به دیگران و بروز مشکلات اجتماعی جلوگیری کند. به این ترتیب جهاد اکبر در برنامه تربیتی پیامبران برای اصلاح ابعاد درونی، کنترل غرایز و خواسته‌های بشر است و جهاد اصغر عهده‌دار ابعاد بیرونی است تا مهر پایان را به مظاهر ظلم در جامعه بکوبد (حمدانی، ۱۳۹۵).

البته به اذعان صدر «الگوی حقیقی همانا خداوند سبحان است»؛ اما هماهنگی بین محدود و نامحدود نیازمند الگویی محسوس است که واقعیت بیرونی و عینیت داشته باشد (صدر، ۱۳۹۹، ص ۱۶۴). بنابراین مسئله «ناهم‌خوانی میان الگوی آرمانی الهی با بشر



زمینی» را با جمع شدن صفات عالی و مطلق خداوند در وجود پیامبرش ﷺ به عنوان الگوی بشر جمع می‌کند: نبوت اصلی است که بین انسان و الگویی والا پیوند عینی برقرار می‌کند. الگوی حقی که جدای از انسان و مستقل از تراوشات ذهنی و ساخت‌های بی‌ارزش اوست ... همان طور که شرح دادیم وقتی مسیر بشریت این الگوی متعالی را به عنوان مبنای خود می‌پذیرد، نیازمند پیوندی عینی و واقعی بین خود و آن الگوست (همان، ص ۱۸۰-۱۸۲).

در این مسیر هدایت و تربیت، نیاز به هر دو بعد عقل و احساس در انسان ضرورتی انکارناپذیر است؛ یعنی هم استدلال باید در او رشد کند و هم بعد باور و ایمان در وجودش ایجاد شود. نقش الگو و نمادها در بخش دوم خود را نمایان تر می‌کند؛ زیرا الگو قرار است با بروز انواع شاخصه‌های شخصیت خود و بهره‌گیری از نمادها، قلب انسان‌ها را تسخیر کند تا زمینه لازم برای باورمند شدن آنها فراهم گردد. بنابراین در ترسیم اثرگذاری رسول اکرم ﷺ در اجرای رسالت خود (و در سایر انسان‌های صاحب رسالت به مراتب و نقش انسانی) ضمن توجه به هر دو بعد، حس را مقدمه معرفی می‌کند، هرچند به وضوح عقل بر حس مقدم است.

انسان بیش از آنکه عقلانی آفریده شده باشد، حسی آفریده شده است. او چنین آفریده شده که بیشتر از عقلش با احساسش هم‌کنشی می‌کند. حتی اگر انسان از راه عقل به نظریه‌ها و مفهوم‌های عقلی عام در چارچوب‌های نظری ایمان بیاورد و این مفاهیم به گونه نظری به ذهن او راه یابند، او را بر نمی‌انگیزانند و به حرکت در نمی‌آورند و بر پا نمی‌دارند و درونش را به جنبش نمی‌اندازند و او را از نو نمی‌سازند، مگر در حیطه‌ای بسیار محدود .... اتفاقی نیست که انسان در طول تاریخ خویش از محسوسات تأثیرات بس بیشتر از



معقولاتش گرفته و به دیدنی‌ها و شنیدنی‌هایش بیشتر از نظریه‌هایش چنگ انداخته باشد. این طبیعت تکوین فکری و شناختی انسان است؛ همچنین اتفاقی نبوده که اثبات هر دینی - اثبات حقانیت هر دینی - با معجزه بوده باشد. بیشتر معجزه‌های پیامبران در سطح حس بوده است؛ چراکه انسان از این سطح تأثیر بسیار بیشتری از هر صورت دیگری می‌گیرد (همو، ۱۳۹۴، ص ۸۴).

با این استدلال است که سیدمحمدباقر صدر ضمن اشاره به مراتب حس بیان می‌کند: همان طور که حس پرورنده پیامبر اکرم ﷺ است، پیامبر اکرم ﷺ پرورنده حس دیگران است و از این طریق با الگو قرار دادن او در همه اعصار، انسان می‌تواند در مسیر اسلام پرورش یابد و رشد کند. در کتاب *السيرة و المیسرة فی حقایق و وثائق* نقل شده است او به خواندن شرح حال رسول خدا ﷺ تشویق می‌کرد و می‌گفت: «اسلام فرد کامل نیست تا زمانی که شرح حال پیامبر را بخواند» (عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۲۹۴).

با تاسی به این دیدگاه در سطحی دیگر، در پژوهش حاضر قصد بر آن است با ارائه تصویری از یکی از شاگردان مکتب اسلام در روزگار حاضر، برای برقراری ارتباط بین اعضای جامعه علمی و الگو گرفتن از او در این مسیر زمینه‌ای را فراهم کنیم. بنابراین در پژوهش حاضر، به شناخت و معرفی ابعاد زیست علمی - اخلاقی آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر پرداخته‌ایم؛ عالمی که اثرگذاری و توجه به آثار علمی و عملی او در دنیای علم انکارناپذیر است. در مطالعه آثار و افکار ایشان بحث‌هایی انجام شده است، هرچند هنوز جای مطالعه و تحقیق گشوده است، از مطالعه چگونگی مرام و سیره او با سؤال مشخص پژوهشی کمتر سخن به میان آمده است: در بررسی زیست علمی - اخلاقی سیدمحمدباقر صدر چه مضامین اساسی وجود دارد؟



برای پاسخ به این پرسش در این پژوهش که از نوع پژوهش موردی\* است، با هدفی مشخص که بیان شد، بررسی جنبه‌های بی‌شمار مورد نظر، یعنی سیدمحمدباقر صدر، بررسی و کاویده شده است. این روش برای «آموزش کاربردی» و «مطالعه عمیق» مفید است (بازرگان، ۱۳۹۹)؛ بنابراین هدف مورد نظر را تأمین می‌کند.

بدین ترتیب با کاوش در کتاب‌های تاریخی و پژوهشی معتبر و شواهدی از آثار خود او، به بررسی مضامین زیست علمی - اخلاقی او پرداخته‌ایم تا از این مسیر سبک زندگی علمی و عملی او را به عنوان مصداقی بارز از یک عالم دینی دریابیم. در این بررسی مضامین بیان‌شده شاید در ظاهر جنبه‌ای عمومی داشته باشند، در سطحی دیگر دارای تفاوت‌های بنیادی با نگاه رایج هستند که به آنها پرداخته شده است. درنهایت مضامین بر اساس عوامل علمی زمینه‌ساز و تعدیل‌کننده‌ها ارائه شد و پیامدها مورد توجه قرار گرفت. ثمره این تلاش هم در سطح فردی برای مواجهه نزدیک با نمونه‌ای مثال‌زدنی و فراهم کردن خودارزیابی می‌تواند مفید باشد و هم در سطح سازمان‌های علمی برای در نظر گرفتن پارامترهای شناخت انسان علمی مؤثر کلیدهایی را فراهم می‌نماید و هم در سطح سیاستگذاری برای شناسایی سرآمدان علمی یا بیان مصداقی ملموس برای ایجاد انگیزه و ترغیب جهت گام‌زدن اصولی در مسیر علم‌ورزی می‌تواند راهگشا باشد.

\* در مطالعه موردی یک فرد، یک موضوع، یک تجربه یا یک مجموعه و سازمان برای پاسخ به سؤال پژوهش و تحقق هدفی مورد تحلیل قرار می‌گیرد (بازرگان، ۱۳۹۹).



## شناسایی مؤلفه‌های زیست علمی - اخلاقی سیدمحمدباقر صدر

برای شناسایی و معرفی مؤلفه‌های زیست علمی - اخلاقی سیدمحمدباقر صدر از الگوهای مفهوم‌پردازی ایده گرفته شد؛ به این ترتیب که برای توضیح و توصیف پدیده‌ای مانند موضوع مورد بررسی، ضمن پرداختن به عواملی که علت شکل‌گیری چنین نحوه‌ای از زیست هستند و به عوامل علی شناخته می‌شوند، زمینه‌ها و عوامل تعدیل‌کننده (عواملی که هرچند علت نیستند، تسریع‌کننده تحقق پدیده مورد بررسی هستند) مد نظر قرار گرفت. شایان ذکر است ادعای ما صرف ایده‌گرفتن است نه شکل‌گیری یک نظریه؛ یعنی از آن حیث که این الگوهای مفهوم‌پردازی به عنوان مدلی مناسب برای ارائه تعاریف مفهومی و نگریستن به پدیده‌ها و توصیف نسبتاً جامع و کارآمد است، از آن بهره گرفته شده است. از آنجا که رویکرد تحقیق کیفی و تحلیلی است، با توجه به ویژگی تقلیل‌گرایانه چنین رویکردی تلاش شد به شکلی جامع و مانع مضامین ارائه و از اطاله خودداری شود. در این فرایند تلاش بر این بوده ضمن بیان مضامین، شواهد با نگاه نقادانه مورد تحلیل قرار گیرد که به طور طبیعی نقاط قابل بهبود در بخش پیامدها و آثار کاوش شده‌اند.

### ۱. عوامل علی زیست علمی - اخلاقی

منظور از عوامل علی مؤلفه‌هایی است که تأثیر مستقیم بر سبک زندگی علمی سیدمحمدباقر صدر داشته است و اگر این عوامل نبودند، نه تنها خود او بلکه آثار علمی به‌جای مانده از ایشان، در چنین جایگاهی قرار نمی‌گرفت.

لذت علم‌ورزی در راستای جلب رضای خداوند: شوق آموختن برای خروج از جهل فی‌نفسه به طور فطری لذتی در انسان بر می‌انگیزد. منظور ما از لذت، احساس مطبوعی





است که باعث می‌شود انسان به صورت ارادی و داوطلبانه چیزی را انتخاب کند و بر آن استقامت ورزد. زندگی سیدمحمدباقر صدر نشانه‌های بسیاری از این شوق و لذت را به نمایش می‌گذارد؛ از همان ابتدا که کودکی خردسال است تا زمانی که علامه‌ای سرشناس می‌شود. از زبان خود او برای شاگردان و همراهان این گونه نقل شده است:

هر روز به اندازه پنج انسان سخت‌کوش در جست‌وجوی دانش کار می‌کردم.... صبح‌ها بعد از نماز سحر به اتاق کوچکی در طبقه بالای خانه می‌رفتم و بدون توجه به زمان خودم را وقف خواندن و تحقیق می‌کردم تا اینکه مادرم مرا به خوردن غذا دعوت کرد. پس از نهار بالا می‌رفتم و تا قسمتی از شب ادامه می‌دادم.... این اتاق کوچک دارای یک دهانه گرد برای تهویه و روشنایی بود. سقف آن به قدری کوتاه بود که وقتی تمام قد می‌ایستادم، سرم به سقف اتاق می‌خورد، بنابراین باید خم می‌شدم (عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۳۹).

ممکن است نزد کسی که به دنبال کسب علم می‌رود، همین مسیر علمی محرکی برای غلبه بر موانع و گام‌زدن باشد؛ اما بدون شک تداوم آن نیازمند انگیزه‌ای قوی است. بر اساس شواهد و بیانات، بزرگ‌ترین انگیزه برای سیدمحمدباقر صدر رضای خداوند بوده است؛ معیاری اخلاقی که به گفته خود او همه کارها را باید با آن سنجید.

هدفی که اسلام برای انسان در زندگی ترسیم نموده، رضای خداوند است.... انسانی در راه راست است که این هدف مقدس را تحقق بخشد. شخصیت کامل اسلامی آن است که در همه مراحل بر وفق این هدف و در پرتو این معیار و در همین چارچوب عام حرکت کند (صدر، ۱۳۹۶، ص ۵۶).

نزد او علوم خود هدف نیستند، بلکه برای حمایت از اسلام وسیله‌اند. به همین دلیل



صرف دانستن و فهم عمیق مطالب اصولی و فقهی که نتواند تغییری در اوضاع اسلام و امت مسلمان ایجاد کند و دردی را دوا نکند، ارزشی ندارد (همو، ۱۳۹۷، ص ۳۱)؛ چراکه او چشم به غایت و هدف نهایی دارد و در همه امور رسالت را مبنا قرار می‌دهد؛ چه در علم‌ورزی یا هر نوع فعالیت دیگری که با همین معیار دست به انتخاب آن می‌زند و همه زندگی خود را صرف آن می‌کند؛ به طوری که در سفرها - حتی در زمان گذراندن ایام ماه عسل - لوازم نگارش خود را همراه می‌برد و می‌گوید: «این کار وجود من و زندگی است، دنیای من و آخرت من است، هوایی است که تنفس می‌کنم و آینده‌ای است که آرزو می‌کنم» (عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴۱۱).

احساس مسئولیت اجتماعی پایدار: امروزه برای آنکه نهاد علم از منفعت شخصی، صنفی یا گروهی خارج و به جای حرکت در انزوا، پاسخگوی نیازهای واقعی اجتماعی مبتنی بر عقلانیت شود، مسئولیت اجتماعی به عنوان یکی از وظایف آن برشمرده می‌شود، با این قید که از نظر اخلاقی، تعهدات اجتماعی ضرورت دارد. مسئولیت اجتماعی هرچند در ذات نهاد علم نهفته است، در عمل گاهی به عنوان سیاستی فراگیر فراموش شده است. بنابراین از دهه ۹۰ میلادی پس از الزام به مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها که برای رفع شکاف بین نقش‌های اجتماعی و اقتصادی آنها پدید آمد، مسئولیت اجتماعی نهاد علم نیز مطرح شد. آنچه در این رویکرد حائز اهمیت است، ضمن داوطلبانه بودن اقدام کنشگران برای اثرگذاری اجتماعی، توجه به مسئولیت‌های اخلاقی فرانسازی است؛ چراکه احساس مسئولیت اخلاقی و کنشگری اجتماعی امید است که به پایداری منتهی شود.

هرچند فرضیه اولیه این است که عالمان کنشگران اخلاقی بالقوه هستند، بین انجام وظیفه مبتنی بر اخلاق (Moral) تا کنشگری اخلاق‌مند (Ethics) فاصله بسیار است.



اینکه فرد علمی خودآگاه و بر اساس اخلاقیات در تمام عرصه‌های زیست علمی اقدام کند، چیزی است که جامعه امروز به آن نیازمند است. در جوامع توسعه‌یافته، راه حلی که برای تحقق چنین دیدگاهی طراحی شده است، حضور مسئولیت اجتماعی در راهبردهای نهادهاست تا افراد را همگام با نهاد به این سمت و سو سوق دهد؛ چراکه دو سنت عقل‌گرایی و اومانیزم ایجاب می‌کند توجه به مسئولیت اجتماعی ضمانتی اجرایی باشد تا فرصت تقسیم حقوق و تکالیف را به‌درستی فراهم کند. این ضمانت‌های اجرایی یا بیرونی اند یا درونی و از آنجا که پایداری ضمانت درونی بیشتر است، تجربه بشری به سوی ایجاد احساس مسئولیت اجتماعی مبتنی بر اخلاق پیش رفته است؛ چراکه ضمانت اجرایی قانون را دولت تعیین می‌کند؛ ولی ضمانت اجرایی اخلاق را وجدان افراد تعیین می‌کنند.

رابطه بین اخلاق و حقوق همواره مورد بحث بوده است. در روزگاری بین اخلاق و حقوق تمایزی نبود. در قرن ۱۸ میلادی علمای آزادی‌خواه قلمرو دولت را به اعمال بیرونی محدود کردند و بین اخلاق و حقوق مرز کشیدند. تا اینکه جنگ جهانی اول و دوم ثابت کرد دموکراسی ظلم را از بین نمی‌برد و باید رابطه متفاوتی بین اخلاق و حقوق ایجاد کرد. حضور اخلاق در کنار قوانین و حقوق ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دیده شد و چنین به نظر می‌رسید که «حقوق رسوب تاریخی اخلاق است و این در مورد تعدیل حقوق بسیار مؤثر است؛ یعنی در کنار قواعد حقوقی سلسله قواعد اخلاقی وجود دارد که آنها را تعدیل می‌کند» (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۸۷). در ادامه چنین راهبردهایی اهمیت مشارکت مردم در تعیین قواعد و سپس تبعیت از آن مورد توجه قرار گرفت.

با مراجعه به آثار و آرای صدر توجه ویژه او به مسئولیت اجتماعی چه در بعد فردی و



چه بعد نهادی (حوزه‌های علمیه) به‌خوبی قابل ملاحظه است؛ اما با غور در نگاه رایج امروزی، تفاوتی اساسی در میان است: در نگاه او به اجتماع و مسئولیت اجتماعی، دین نقش اصلی را ایفا می‌کند و برای صیانت از گوهر احساس مسئولیت درونی، عبادت را کارساز می‌داند؛ زیرا عبادت می‌تواند با بیدار نگه‌داشتن وجدان برای پایبندی به اخلاق ضمانت اجرایی بیاورد.

او در تبیین نقش ایمان به نظارت خداوند به عنوان تنها راه تحقق پایداری احساس مسئولیت درونی، به جایگاه اصول دین در مسیر تمدن بشری می‌پردازد و ایمان به معاد را به عنوان عامل اصلی احساس مسئولیت بر می‌شمرد؛ چراکه «به انسان توان روحی و نیروی الهی می‌دهد تا پیوسته اراده و قدرتش را نو کند و ضمانت‌های عینی برای احساس مسئولیت را فراهم می‌سازد» (صدر، ۱۳۹۹، ص ۱۸۱-۱۸۲). همچنین برای تقویت و تثبیت احساس مسئولیت درونی عبادت (تمرین عملی) را ضروری می‌داند:

با انجام تکالیف عبادی این احساس مسئولیت درونی تقویت می‌شود و آدمی عادت می‌کند بر اساس آن رفتار کند. با وجود این احساس درونی، شهروندانی درستکار تربیت می‌شوند؛ چراکه برای داشتن شهروندانی درستکار صرفاً کافی نیست افراد از ترس بازخواست اجتماعی، حقوق قانونی دیگران را رعایت کنند (همو، ۱۳۹۸، ب، ص ۵۶).

سیدمحمدباقر صدر ابعاد مختلف نظری (باور به معاد)، گفتاری (عبادت) و رفتاری (کنشگری اجتماعی انسان مسلمان) را مورد توجه قرار می‌دهد. او جزء معدود علمایی است که در این مسیر به نهادسازی توجه دارد و علاوه بر ملاحظات فردی و اجتماعی، نهاد را عاملی مهم برای تثبیت و تقویت این فرایند می‌شناسد. به همین دلیل به حوزه‌های علمیه و نهادهای وابسته به آن توجه ویژه دارد یا وقتی به مباحث تشکیل حکومت، به عنوان بستر



تحقق دین الهی می‌پردازد، حزب را به عنوان نهادی تربیت‌کننده و آگاهی‌بخش در نظر می‌گیرد. سیدمحمدباقر صدر وقتی به علم و مسئولیت دینی آن می‌پردازد، دو موضوع را اساسی می‌داند: «اول، علم و میزان ضرورت بحث علمی برای مبلغی که مسئولیت‌های دین را به دوش می‌کشد و دوم، ساختار و سازماندهی» (همو، ۱۳۹۸، ب، ص ۴۰). او ضمن بیان اینکه علم‌گرایی باید هدفمند باشد، علم‌ورزی را مسئولیتی در برابر امت می‌داند و اصلاح حوزه‌ها را با همین نگاه پایه‌گذاری می‌کند:

باید اولین مرحله اقدام، یافتن مفهومی باشد که رسالت حوزه در امت را مشخص می‌کند، سپس در پرتو این مفهوم نظام اداری و سیاست مالی و برنامه آموزشی حوزه را وضع کنیم. همه اینها تنها در پرتو مفهوم تکلیفی حوزه معین می‌شود. بر این اساس، اول باید نقش حوزه در امت را بفهمیم تا بتوانیم بر پایه آن، وجود تکلیفی و وجود ذاتی حوزه را به شکل تکاملی و تعاملی در راستای تحقق این هدف بنا کنیم (همان، ص ۶۶).

به عبارت دیگر نگاه او برای ساخت و اصلاح نهاد از بیرون به درون، یعنی از جامعه و مبتنی بر نیاز امت است. سپس نهاد بناشده لازم است در راستای تحقق نیازهای جامعه و امت اسلامی حرکت کند. او در **اقتصادنا** می‌نویسد: «فلسفه ما» نخستین حلقه از پژوهش‌های اسلامی است که بنای بلند اسلام را بررسی قرار می‌کند؛ بنای اعتقادی توحیدی .... و طرحمان این بود که «جامعه ما»<sup>\*</sup> دومین پژوهش از مجموعه بررسی‌ها و پژوهش‌های ما باشد که در آن به اندیشه‌های اسامی درباره انسان و زندگی اجتماعی وی در روش اسلام در تحلیل و تفسیر ترکیب اجتماعی بپردازیم تا به این ترتیب وارد مرحله سوم

\* هرچند عمر و شرایط او کفاف نداد یادداشت‌های خود را در این زمینه ساماندهی و منتشر کند.



که همان مرحله ساختاردهی اسلامی برای زندگی است، دست یابیم؛ ساختارهایی که با اندیشه اجتماعی اسلام در ارتباط و بر بنای اعتقادی ثابت آن استوار شده است (حکیم به نقل از: صدر، ۱۳۹۹).

## ۲. عوامل زمینه‌ساز زیست علمی - اخلاقی

عوامل زمینه‌ساز موجبات تحقق سبک زندگی علمی را در هر شرایطی ضروری می‌نمایند.

### الف) فهم علمی و نقادی

شاگرد با حضور در محضر استاد و در ارتباطی پویا با او تحصیل علم می‌کند؛ اما تحصیل علم سطوحی دارد. فهم علمی آن سطح از علم است که بر اساس ارتباط معنادار بین آموخته‌ها و با تبدلات علمی بین استاد و شاگرد، نزد شاگرد فراهم می‌آید. با مراجعه به سبک زندگی علمی سیدمحمدباقر صدر چنین به نظر می‌رسد که در تحصیل علم - چه زمانی که در مدرسه منتدی النشر محصل بوده و چه زمانی که وارد حوزه علمیه نجف اشرف شده - در پی فهم علمی بوده است. مباحثات او با معلمان و استادان و پرسشگری مدام، نشان از این سطح یادگیری دارد.

وقتی سید صدر هشت‌ساله بود، ولی او [ برادرش اسماعیل ] او را نزد شیخی برد تا به او عقاید درس بدهد. شیخ هرچه می‌گفت، سید صدر با او بحث می‌کرد.... بنابراین شیخ به ولی صدر گفت: «این کودک ملحد خواهد شد، زیرا هر مسئله اعتقادی را زیر سؤال می‌برد» (عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۳۱). مصادیق این رفتار در مدرسه یا در حوزه نیز آمده است.



سید صدر با دیگر طلاب در درس استادش سید خوبی حضور داشت؛ سپس در آنچه ارائه شده بود، تأمل می‌کرد و مکرر می‌شد که شب‌ها به منزل استادش که نزدیک خانه آنها بود، می‌رفت تا دیدگاه استاد را درباره آنچه نوشته [ و سر کلاس درس به او داده ] دریابد و ممکن بود باز صبح قبل از آنکه استاد به درس برود، بحث با او را ادامه دهد تا زمان فرارسیدن درس ... (همان، ص ۱۷۳).

بنابراین فهم علمی با ارزیابی مداوم دانسته‌ها سروکار دارد و نیازمند پرسشگری است؛ رفتاری که گاهی در نگاه سنتی نفی می‌شود. گفته می‌شود نزد برخی استادان، ارتباط پرسشگرانه استاد - شاگرد حمل بر گستاخی بوده و هست؛ حال آنکه اگر پرسشگری از نظام تعلیم و تربیت حذف شود، چگونه فهم علمی ارزیابی شده و افق‌های جدید بین استاد و شاگرد و در محیط علمی گشوده گردد؟ در این مرآوده البته سعه صدر استاد و رعایت چارچوب‌های احترام توسط شاگرد ضرورت دارد. او در مقام استاد نیز اهتمام ویژه‌ای به فهم علمی شاگردان خود داشته است. به همین دلیل ضمن آنکه شیوه تدریس او متمایز بوده است، به بیان سیدمحمدباقر حکیم روش تدریس او بر خلاف شیوه رایج متن محوری صرف این گونه بود که کل مطلب را از ابتدا تا انتها بیان می‌کرد و سپس آن را بر متن کتاب تطبیق می‌داد؛ در شرح روش داشت؛ به بیان برخی مقدمات می‌پرداخت و پس از بیان نظرات نویسنده که به حد کفایت توضیح می‌داد، در انتها نتایج را به طور منظم بیان می‌کرد. بعد از آنکه امانت‌داری را در ارائه نظر نویسنده به کمال می‌رساند، نظرات خود را که گاه مخالف نویسنده بود، عرضه می‌کرد. در این مسیر اگر یکی از شاگردان طرح اشکال می‌نمود، اگر اشکال وارد بود، آن را وضوح می‌بخشید. در غیر این صورت بحث را در آن مورد روشن می‌ساخت تا اشکال رفع شود. هنگام پاسخ‌دادن به سؤال شاگردان،



اهتمامش بر تحریک ذهن آنها بود. چنان مباحث را بیان می‌کرد که شاگردان برای تطبیق مطلب با متن دچار مشقت نمی‌شدند (همان، ص ۲۲۹ - ۲۳۰).

### ب) نیازسنجی، مسئله محوری و روش مندی

با مراجعه به آثار سیدمحمدباقر صدر مشاهده می‌شود، هر یک از آثار بر اساس نیازی و حول محور مسئله‌ای شکل گرفته است؛ به دلیل فراگیری کمونیسیم و شکل‌گیری دو قطب سرمایه‌داری و سوسیالیسم و ناامیدی جوامع اسلامی از توانمندی مکتب اسلام برای پاسخگویی و نظام‌سازی، **فلسفتنا و اقتصادنا** را نوشت که ضمن نقد مکاتب موجود به ارائه پاسخ جدید مبتنی بر آرای اسلامی پرداخت. در کتاب **الاسس المنطقیه للاستقراء** - که یکی از مهم‌ترین و فنی‌ترین آثار سیدمحمدباقر صدر است - برای یکی از معضلات انسان امروز دچار چندپارگی معنوی و مادی پاسخی ارائه داده است. او مسئله دنیای روز و گرفتاری‌های تجربه‌گرایی را دریافته و به تبیین و نقد آنها پرداخته و در عرصه اندیشه با برقراری پیوند بین باورهای الهی، تأملات عقلی و مشاهدات تجربی راه حل ارائه داده است. کتاب **الاسلام یقود الحیاة** پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران پاسخی به نیازهای کشوری است که در سایه حاکمیت اسلام قصد دارد نیازهای انسانی را برآورد. کتاب **البنک الاربوی فی الاسلام** جایگزینی برای بانک امروزی است که می‌خواهد با موازین فقهی بدون ربا، عملیات سپرده‌گذاری و سرمایه‌گذاری را گسترش دهد. کتاب‌های **دروس فی علم الاصول** مشهور به حلقات، در موضوع اصول فقه برای آموزش شرایطی فراهم می‌کند که مطالب ملکه شده و ابزار کارآمدی برای حل مسائل واقعی شوند.

موارد نامبرده ذکر مثال است و هیچ یک از آثار سیدمحمدباقر صدر از این ویژگی مستثنا نیستند. علاوه بر اینکه روش مندی از اجزای اصلی آنهاست. حتی در کتاب **تاریخی فدک**





فی التاریخ با روایتی منصفانه و تحلیلی روبه‌رو می‌شویم که تا قبل از آن سابقه نداشته است. یا کتاب سنت‌های تاریخی در قرآن کریم که حاصل سخنرانی‌های اوست، به دلیل احساس نیاز به حرکتی در حوزه علمیه نجف اشرف آغاز شد. مسئله نیاز به تقویت ارتباط رهبری دینی با مردم، ایجاد زمینه آگاهی بخشی و روشنگری از سوی مرجعیت سبب شد او بر قاعده‌ای روش‌مند و سؤال‌محور سراغ تفسیر قرآن کریم برود و ضمن بیان روش تفسیر موضوعی (به امید اشاعه آن)، این روش را در نظریه سنت‌های تاریخی عملیاتی کرد و در نهایت با مصادیقی روشن به رابطه دین و تاریخ و جامعه پرداخت. چنین است که بعد از گذشت سال‌ها از وجود چنین منابعی، هنوز کارایی و اثربخشی دارند و از اعتبار علمی برخوردارند.

### ۳. عوامل تعدیل‌کننده زیست علمی - اخلاقی

عوامل تعدیل‌کننده به کاتالیزور می‌مانند؛ یعنی مسیر حرکت و رسیدن به هدف را تسریع و تسهیل کرده، به تحقق سبک زندگی علمی سرعت می‌بخشند.

#### الف) تمرین تفکر

اینکه افراد چگونه می‌آموزند، چطور اطلاعات را در ذهنشان سامان می‌دهند و چگونه از اطلاعات سامان‌یافته بهره‌برداری می‌کنند، در تمرین تفکر می‌گنجد. در اصل تفکر شیوه رسیدن از اطلاعات به حل مسئله‌ها و راهی برای خلق ایده‌ها و فهم مطالب است؛ به عبارت دیگر تمرین تفکر در کنار فهم علمی می‌تواند هر جویای علم را به مراتب بالاتری از یادگیری برساند و رسیدن به مرحله نوآوری را تسهیل نماید. در این مسیر هرچه تمرکز و غوطه‌وری در آموخته‌ها بیشتر باشد، عمق یادگیری بیشتر و کشف زوایای پنهان علم



ممکن تر می شود. گفته می شود وقتی سیدمحمدباقر صدر فکر می کرد، چنان عمیق می شد که گویی چیزی در اطراف او نبود تا باعث حواس پرتی وی شود یا افکارش را به هم بزند. سیدمحمدباقر حکیم یک بار از شهید صدر در مورد کار فکری خود با حضور فرزندان برادرش سیداسماعیل در خانه از او سؤال کرد که آیا با وجود کوچکی خانه و سروصدای آنها مسائل فکری او را مختل نمی کند و شنیده بود به دلیل غوطه وری در تفکر تحت تأثیر هیچ سروصدایی قرار نمی گیرد؛ حتی بعد از اینکه خداوند متعال به او فرزندان عینیت کرد، وقتی مشغول باشد و آنها در کنار او باشند، می گفت: «من آنها را نمی شنوم». سیدمحمدباقر حکیم می گوید: «او در ابتدای کار علمی خود، بدون استثنا در تمام مدت بیداری تمرین تفکر می کرد و می گفت: «من به محض اینکه از خواب بیدار می شوم، از همان نقطه ای که قبل از خواب فکر کردنم به پایان رسید، مجدد به فکرکردن ادامه می دهم ... و من قادر به فکرکردن در فضای پرسروصدا نیز هستم» (همان، ص ۱۴۰).

### ب) اصالت تحقیق و تعهد علمی

سیدمحمدباقر صدر برای نگارش هر یک از کتاب های خود، ضمن توجه به نیاز جامعه، به منابع اصیل مراجعه می کرد. نقل است برای تحقیق و نگارش کتاب **فلسفتنا** که به تشویق سیدمحسن حکیم و بر اساس شرایط اجتماعی آن روزگار صورت گرفت، به مطالعه آثار مادی گرایان، کمونیسم، مارکسیسم و آنچه درباره سرمایه داری وجود داشت، پرداخت. هر چند به دست آوردن این کتاب ها ساده نبود، با قرض گرفتن یا امانت از کتابخانه و دیگرانی که به این منابع دسترسی داشتند، منابع موجود را مطالعه کرد و از کتاب های اصلی اندیشمندان این حیطه مانند مارکس، انگلس و دیگران به سادگی نگذشت و در بیان



دیدگاه‌های اندیشمندان کمال امانت و صداقت را رعایت کرد (ر.ک: همان، ج ۱). با مراجعه به کتاب **فلسفتنا** (صدر، ۱۳۹۳) ملاحظه می‌شود مقدمه با تأکید بر مسئله جامعه بشری و نظام مناسبات انسان به گونه‌ای که او را به سعادت برساند، آغاز می‌شود. در این کتاب ضمن بررسی دو مکتب حاکم بر جهان - نظام دموکراسی سرمایه‌داری و سوسیالیسم - را به خوبی واکاوی می‌کند و جلوی چشم مخاطب می‌نشانند. سپس با نشان دادن هماهنگی بین مسئله اخلاق و مسائل فردی به شیوه استدلالی نشان می‌دهد مکتب استوار بر دین، تنها مکتبی است که می‌تواند جامعه بشری را به منزل سعادت برساند.

این شیوه رفتاری با مسائل علمی و نگارش کتاب و مقالات در سایر آثار او نیز به چشم می‌خورد. در **اقتصادنا** (۱۳۹۷) به بررسی دقیق نظریه ماتریالیسم تاریخی می‌پردازد و پس از نقد منصفانه، چارچوب کلی اقتصاد اسلامی را ارائه می‌دهد. تعهد اخلاقی او به دقت در نگارش و صداقت در نقد از احترام او به ساحت علم خبر می‌دهد؛ به طوری که نقل است به یکی از شاگردانش گفته بود: «می‌فهمیدم فلان مطلبی که از کانت نقل می‌شود نمی‌تواند درست باشد. کانت کسی نیست که با خودش این طور در تناقض باشد. بعدها فهمیدم ترجمه اشتباه بوده» (عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۲۹۸). به عبارت دیگر ضمن احترام به ساحت علم و عالم، چنان تعهد علمی داشته است که برای رفع تناقضات به سرچشمه‌ها رجوع می‌کرد و در گمان خود باقی نمی‌ماند یا مغرضانه واکنش نشان نمی‌داد.

### ج) مطالعات گسترده و متنوع

تخصص‌گرایی به معنای مطالعه صرف در یک حوزه خاص، هنوز بخشی از سبک زندگی برخی دانشمندان و علماست که امروزه از آن نفی می‌شود. چراکه در دنیای



پیچیدگی امکان شناخت مسائل و ارائه راه حل برای آنها ممکن نیست مگر با نگاهی فراخ‌تر. بدیهی است مطالعه متنوع نه تنها در توسعه ذهن، بلکه در نوآوری و خلق ایده‌های نو کمک‌کننده است. یکی از دلایل جامعیت نگاه سیدمحمدباقر صدر گستره مطالعاتی اوست. او علاوه بر خواندن کتاب‌های فقه، اصول، فلسفه، الهیات و کتب تخصصی، داستان‌های ادبی را می‌خواند و جالب است که به داستان‌های پلیس علاقه‌مند بود.

گفته می‌شود تحت تأثیر ادبیات مصر و ادبیات لبنان بود و از کودکی کتاب‌های ویکتور هوگو را می‌خواند. تفسیر **المیزان** نوشته سیدمحمدحسین طباطبائی را یکی از خوبی‌های جاودان و عظمت زمان می‌دانست و توصیه می‌کرد. بیشتر کتاب‌های منتشرشده در ایران، به ویژه کتاب‌های سیدمحمدحسین طباطبائی، شیخ مرتضی مطهری و مجله **مکتب اسلام** را دنبال می‌کرد و نوشته‌های حسن البنا، سید قطب، ارسطو و ابن‌سینا، [جان مینارد] کینز و لایب‌نیتس را می‌خواند. نقل است سید صدر از شیخ محمد فرحت در مورد وضعیت برادرش شیخ زید پرسید. او به شکایت پاسخ داد که مشغول خواندن داستان‌های آرسن لوپین است؛ اما سید صدر این دلخوری را رد کرد و گفت: «من آن را نیز خوانده‌ام. چگونه می‌توانیم بفهمیم چه چیزی در بین ما پخش می‌کنند بدون اینکه آن را بخوانیم؟» (همان، ص ۲۹۴ - ۲۹۵).

#### ۴. پیامدها و آثار زیست علمی - اخلاقی

##### الف) نوآوری و بداعت در آثار

در منابع تاریخ شفاهی، خاطرات و به نقل از شاگردان به تواتر آمده است که او شاگردان را مدام به اندیشیدن فرامی‌خواند؛ چراکه باور داشت تنها راه برای نوآوری،



اندیشیدن است که در ضمن مطالعه اما بیش از آن رخ می‌دهد؛ یعنی بیش از مطالعه لازم است درباره آنچه مطالعه کرده‌اند، بیندیشند. با نقل یکی از مشهورترین گفت‌وگوهای او با یکی از شاگردانش از توضیح بیشتر بی‌نیاز شویم:

سیدکمال حیدری از سید صدر پرسید: «اگر کسی از شما بپرسد محمدباقر صدر چگونه محمدباقر صدر شد، چه پاسخی دارید؟» او پاسخ داد: «محمدباقر صدر ۱۰ درصد می‌خواند و ۹۰ درصد فکر می‌کرد». پرسید: «چند ساعت در شبانه روز می‌خوانید؟» پاسخ داد: «این گونه از من نپرس، بلکه به روشی دیگر از من سؤال کن. به من بگو در طول شبانه روز چند ساعت می‌خوانید؟» گفت: «تفاوت این دو سؤال چیست؟» او پاسخ داد: «اگر از من بپرسی، چند ساعت کتاب می‌خوانی؟ به شما می‌گویم: هشت تا ده ساعت. اما اگر از من بپرسید چند ساعت با کتاب بوده‌ام؟ به شما می‌گویم: تا وقتی بیدار هستم و خواب نیستم، با کتاب همراه هستم. وقتی در خیابان قدم می‌زنم، در مورد مشکلی که می‌خواهم آن را حل کنم، هنگامی که در قصابی می‌ایستم در ذهنم مشکلی وجود دارد که سعی در حل آن دارم و وقتی برای خوردن غذا می‌نشینم مشکلی در ذهنم هست که می‌خواهم آن را حل کنم و وقتی در رختخواب دراز می‌کشم مشکلی در ذهنم پیش می‌آید که می‌خواهم آن را حل کنم. بنابراین من همیشه با کتاب هستم، کتاب با من زندگی می‌کند و من با کتاب زندگی می‌کنم»

شیخ محمد نعمانی از سیدمحمدباقر صدر نقل می‌کند: «اگر شخصی فقط به خواندن عادت کند، فرهنگ او در چارچوب کتاب‌هایی که خوانده است می‌ماند و در نتیجه او خلاق نخواهد شد» (همان، ص ۲۹۲).

بنابراین نوآوری در نگاه صدر با اندیشیدن پس از مطالعه و اندیشیدن بر اساس



مسئله‌هاست که می‌تواند به افق‌گشایی و حل مسئله بینجامد.

### ب) عمومی‌سازی علم

ترویج علم مجموعه فعالیت‌هایی است که برای نزدیک کردن سطح فهم عموم مردم به علم و ساده‌کردن مفاهیم علمی با هدف فهم‌پذیری آنها از سوی عموم مردم انجام می‌شود؛ بنابراین عمومی‌سازی علم از جمله فعالیت‌های علمی است که علاوه بر اینکه با مسئولیت اخلاقی رابطه وثیقی دارد، دارای پیچیدگی‌ها و ظرافت‌هایی است. تبدیل زبان تخصصی علم به زبان جامعه و نزدیک شدن به سطح درک مخاطبان خود ویژگی اساسی است که گاه منتقدانی دارد و به همین دلیل در بین بسیاری از اندیشمندان رواجی ندارد؛ اما سیدمحمدباقر صدر همواره به ترویج علم اهتمامی ویژه داشت. اگر از خطابه‌ها و مجالس سخنرانی او عبور کنیم که همگی مبتنی بر نیاز جامعه روز، در عین صلابت نزدیک به زبان مردم دیار خود بوده است، فعالیت‌های دیگری در سطوح مختلف داشته است. نوشتن مقالات از جمله «رسالتنا» در مجله الأضواء ضمن کوتاه‌بودن، دارای عمق و زبانی رساست. در سایر نوشته‌های او در عرصه عمومی نیز چنین ویژگی‌هایی را می‌توان یافت. اما شاید نقطه اوج این نگاه در کتاب الفتاوی الواضحه که رساله عملی اوست، رخ داده است؛ رساله‌ای که در خارج از مرزهای عراق، بسیاری از افراد در کویت، لبنان، ایران و حتی عده‌ای از اهل سنت به دلیل «نوگرایی و داشتن زبان معاصر» خود را مخاطب آن یافتند (نعمانی، ۱۳۹۹، ص ۶۰). شیوه او در نگارش این رساله منحصر به فرد است. به نقل از شاگردان و شاهدان، سیدمحمدباقر صدر برای نگارش این کتاب، به این دلیل که مخاطب عام دارد و می‌خواست پیام عملی او در بیان، روش و شیوه دسته‌بندی فارغ از پیچیدگی و



اصطلاحات مبهم باشد و همه مردم بتوانند آن را درک کنند، شیوه‌ای خاص را پیش گرفت (ر.ک: عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۳).

شهید صدر نوشتن کتاب **الفتاوی‌الواضحه** را شخصاً شروع کرد و در آغاز، چندین موضوع فقهی را با شکل‌های مختلف و در سطوح مختلف نوشت و از من خواست از میان اقشار مختلف جامعه مخصوصاً دانش‌آموزان مدارس افرادی را انتخاب کنم و متن را به آنها بدهم و از آنان بخواهم عبارتهایی که پیچیده است یا به‌سادگی آن را نمی‌فهمند، علامت بگذارند. چندین بار این کار را انجام دادیم تا اینکه شهید صدر توانست با حفظ استواری محتوای فقهی، بهترین اسلوب و ساده‌ترین عبارت را پیدا کند. آن‌گاه نوشتن را شروع کرد و این گونه بود که **الفتاوی‌الواضحه** متولد شد (نعمانی، ۱۳۹۹، ص ۶۳).

اندکی درنگ در این مجال برای تکمیل بحث لازم است. سیدمحمدباقر صدر به تفکر و مطالعات گسترده و متنوع پرداخته و این ویژگی را از کودکی در خود پرورده و با اخلاق علمی و تعهد و امانت‌داری ارزش کار خویش و دیگران را قدر نهاده است؛ همچنین با تفکر و تأمل نوآوری و خلاقیت را چاشنی کار خود نموده و کوشیده است زبان مردم عصر خود را شناخته، نیاز آنها را به تناسب روزگار پاسخ دهد. اما چنین به نظر می‌رسد جای یک ویژگی برای تکامل مباحث یک عالم دینی ضرورت دارد و آن، حضور مستمر در جامعه و تعامل پیوسته با اقشار مختلف است. شواهد و قرائن نشان می‌دهد سیدمحمدباقر صدر تا سال‌های جوانی از حضور در هر گونه مجلسی خودداری می‌کرد و گوشه کتابخانه یا اتاق دنج خود یا کتابخانه‌های خاص را برای گذراندن در عالم کتاب‌ها انتخاب می‌کرد. گفته می‌شود از عادت‌های علمای آن روز بود که در صحن حیدری بنشینند و با هم حرف بزنند. اسماعیل، برادرش، گفته بود: «اگر کسی خبر آورد برادر مرا در این جمع‌ها دیده،



مژدگانی اش با من». بیرون رفتن او از خانه برای زیارت امیرالمؤمنین بود یا خرید کتاب و مجله و مایحتاج خانه یا سرزدن به کتابخانه» (ر.ک: عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۱).

این سخن بدان معنا نیست که ثابت کنیم لزوماً آنچه از این عالم بزرگوار برخاسته، یکسره خالی از واقعیت است. همان طور که بیان شد، ایشان به مسائل روز، مانند کمونیسیم و اثرات آن آگاه بود و مطالعات خود را در این حیطه دقیق و عمیق انجام می داد یا به مطالعه و نگارش در مجلات روز همت داشت؛ حال آنکه نگارش در حوزه عمومی، خود نیازمند درکی ویژه و زبانی خاص است. همان گون که به نقل از شاگرد همراه او شیخ نعمانی بیان می شود، او هر روز با اقشار مختلف «اعم از طبقات علمی حوزه علمیه و طلاب علوم دینی و علما و وکلا و مبلغان تا اساتید و دانشجوها تا توده مردم و طبقات متشرع و غیر متشرع جامعه» (نعمانی، ۱۳۹۹) ملاقات عمومی داشت. اما سؤال این است: آیا ملاقات عمومی برای فهم مسائل و درک پرسش ها کفایت می کند؟ اقتضائات مجتهد آگاه به زمانه دقیقاً چیست؟ پاسخ به این پرسش مجالی وسیع می طلبد که یکی از نیازهای اساسی در دنیای امروز و نقطه ای مبهم در تاریخ علما و مراجع تقلید و رهبران اجتماعی است. چه بسا بیت حضرات و نمایندگان در این میانه نقشی اساسی دارند و البته محدودیت های بشری قابل پذیرش است. اما سؤال همچنان بر قوت خود باقی است که در این صورت ممکن است برخی احکام صادره، مانند «حرمت حضور در حزب بعث یا همکاری با ایشان» را محل سؤال قرار دهد؛ آن هم در کشوری که حزب بعث سلطه ای عام دارد و زیست طبیعی مردم به آن وابسته است. البته سیدمحمدباقر صدر خود پس از مدتی این حکم را تعدیل می کند و تغییر می دهد. پاسخ به چنین پرسش ها و مباحثی برای جامعه دینی امروزی اهمیت ویژه ای دارد و کمتر به آن پرداخته شده است.



## ج) تفکر منظومه‌ای

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد سید محمدباقر صدر نگاه سیستمی در کنار نهادسازی او در مسائل، از جمله در حیطه تربیت است. او در همه مسائل وقتی ورود می‌کند، ساختارها و بنیان‌ها را مد نظر قرار می‌دهد تا زنجیره‌ها در کنار هم بتوانند پایداری ایجاد کنند، قائم به فرد نباشند و ویژگی‌های شخصیتی بر ساختار اجتماعی غلبه نکنند. از همین روست که حتی وقتی با مسئله مرجعیت و مسائل مبتلابه آن روبه‌رو می‌شوند، از نهاد مرجعیت (نه مرجعیت فردی و شخصی) سخن می‌گویند و ساختاری پایدار برای آن در نظر می‌گیرند (برای مثال برای اطلاع بیشتر، ر.ک: صدر، ۱۳۹۸، ب).

اما در این میان وقتی به آثار ایشان رجوع می‌شود، نکاتی نیازمند مذاقه بیشتر است که در اینجا اشاره می‌شود. قبل از ورود به بحث، اشاره به این نکته ضروری است که کامل‌ترین الگو برای بشر در هر زمان و مکانی ائمه اطهار علیهم‌السلام هستند و دیگران به عنوان بخشی از آثار ایشان و تربیت‌شدگان این مکتب، قابل تأمل و محل رجوع در موارد خاص هستند. در اصل ایشان مصادیقی از تربیت در این مکتب‌اند. در این صورت است که می‌توان قدر و منزلت یک مکتب و الگوهای آن را شناخت و این مختص نگاه اسلام نیست. اگر ثمره ارزشمند همراهی اندیشه و عاطفه در این بیان، «هم‌کنشی» با الگو و مطابقت عملی میان او و مردم است، شرط مهم هم‌کنشی، تسط او به تمام زمینه‌های عمل در انسان است. مردم زمانی الگو را می‌پذیرند که اعتماد آنها را از قبل جلب کرده باشد. در این رابطه صدر در اراده خداوند متعال برای جلب اعتماد مردم نسبت به الگو، از مفهوم «عصمت» با تعریفی منحصر به فرد یاد می‌کند که محدود به دایره گناه و اشتباه نیست و همچنین ملاک‌هایی قابل سنجش دارد تا هر مکتب دیگری الگوی خود را با آن ارزیابی





کند:

رهبری تجربه باید در سطح عصمت باشد. این در واقع تنها از ویژگی‌های شیعه نیست. ایمان به اینکه امام باید معصوم باشد، تنها از ویژگی‌های شیعه نیست، بلکه تمامی رویکردهای عقیدتی در سراسر جهان به این «باید» ایمان دارند [ ... ] شرط رهبری که مارکسیسم را - به عنوان یک رویکرد عقیدتی که می‌خواهد انسان را بسازد و او را در چارچوب ویژه خود متبلور سازد - به اجرا می‌گذارد، این است که معصوم باشد، اما معیارهای عصمت گوناگون است. در رویکرد مارکسیستی رهبری که این رویکرد را به اجرا می‌گذارد، باید بر پایه معیارهای مارکسیستی معصوم باشد و رهبری که تجربه اسلامی را پیشگویی می‌کند، باید بر پایه معیارهای اسلامی معصوم باشد. عصمت در دو حالت یک مفهوم دارد و آن عبارت است از اثرپذیری کامل از رسالت و پیکربخشی کامل به همه داده‌های رسالت در زمینه‌های روحی و فکری و عملی (صدر، ۱۳۹۴، ص ۲۲۲).

بنا بر مفهوم «کمال» سیره عملی و اندیشه تربیت‌شدگان به طور طبیعی محل بررسی، نقد و سپس توسعه است که از این منظر در انتها مجالی برای بیان چند نکته درباره اندیشه‌های تربیتی استاد والا مقام، سیدمحمدباقر صدر، گشاده می‌شود.

تربیت سیاسی - و به تبع آن تربیت اجتماعی - بن‌مایه اصلی اندیشه سیدمحمدباقر صدر است. او برای قدرت یافتن اسلام به جهت تحقق رسالت عالیه آن، بر چنین اصلی پافشاری می‌کند. در این مسیر نگاه سطحی ندارد و به مباحث اقتصادی، فلسفی، اجتماعی و مهم‌تر از همه اعتقادی و شناختی می‌پردازد. حتی زمانی که به تفسیر قرآن می‌پردازد یا زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام را می‌شکافد در همین راستا و از همین منظر به آن می‌نگرد؛ همه را در خدمت همان قدرت سیاسی و قدرت سیاسی را برای تحقق رسالت متعالی اسلام



می‌نمایاند. در این مسیر وقتی سراغ نهادها می‌رود تا شبکه مستحکمی را شکل دهد، به ولایت فقیه و نهاد مرجعیت، رابطه حوزه‌ها و مدارس اسلامی و جایگاه احزاب در آگاه‌سازی و گذردادن امت از هیجان به آگاهی برای ایفای نقش صحیح نظارت به طور شفاف سخن می‌گوید و هر یک را بر جای خود می‌نشانند. در سیره عملی ایشان هم تلاش برای همه این نهادها را می‌توان مشاهده کرد. حتی بر خلاف رویکرد سنتی رایج در جامعه، او سراغ روزنامه و مجلات، به عنوان رسانه‌های روشنفکری می‌رود و نه تنها در تأسیس آنها بلکه در فراهم کردن خوراک فکری تلاش می‌کند یا در شکل‌گیری حزب و جامعه‌العلماء به عنوان نهادهای راهگشا برای تحقق اهداف پیش‌گفته پیش‌قدم می‌شود. به فرض که این نگاه را بپذیریم و همراه شویم، حداقل دو نکته جای سؤال باقی می‌گذارد که شاید با توجه به تجارب و حساسیت‌های امروزی قابل طرح است.

#### (د) مغفول ماندن نقش خانواده در آثار مکتوب

با همه دقت نظرهای استاد والا مقام، سیدمحمدباقر صدر، در همه آثار او، جای نهاد خانواده مغفول است. وقتی سراغ سیره عملی و روایات نقل شده می‌رویم، سراسر زندگی ایشان سرشار از پشتوانه خانواده‌ای است که بذر تربیت و حمایتشان بستر ساز رشد او بوده است. او نیز در این مسیر، خود مؤثر می‌شود و تأثیرگذاری بر محیط خانواده، چه در نقش فرزند یا برادر، چه همسر یا پدر به خوبی قابل مشاهده است. حتی اهمیت این رابطه در تربیت آن قدر مهم است که وقتی در نقش استاد قرار می‌گیرد، چونان پدر برای شاگردانش ایفای نقش می‌کند و می‌توان استنباط کرد (و با رجوع به آثار اطمینان یافت) مبنای تربیت را محبت می‌داند؛ چراکه این محبت رابطه‌ای حسی برقرار می‌کند که می‌تواند مسیر



تعاملات علمی و عقلی را هموار نماید. اما با توجه به اهمیت این نهاد اثرگذار، در آثار مکتوب یا سخنرانی‌های او تأکیدی بر این نهاد مشاهده نمی‌کنیم.

ممکن است برخی بگویند به طور طبیعی و ضمنی کارکرد تربیتی خانواده بدیهی لحاظ شده است؛ اما تجارب و شرایط به طور جدی در گذشته و حال نشان می‌دهد این نهاد کوچک اما بنیادی، چیزی است که در نگاه هر کسی به خصوص کسی که با چنین دقت و وسواسی در نقش نهادساز یا طراح ساختارهای تربیتی ظاهر می‌شود، باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. به عبارت دیگر در نگاه اجتماعی، نهاد خانواده جزئی لاینفک و غیر قابل چشم‌پوشی است که جایگاه و نسبت آن با سایر نهادها باید تبیین شود.

تأکید سیدمحمدباقر صدر بر نهادها و ساختارهای حاکمیتی چنان است که گاهی این تصور ایجاد می‌شود که تربیت اساساً بر عهده حاکمیتی آگاه است و بس. این تردید وقتی پررنگ می‌شود که در سخنرانی‌های ایشان در ماه‌های پایانی که در کتاب امامان اهل بیت علیهم‌السلام گردآوری شده، به رابطه امام و امت، کجروی امت و نیاز به آگاهی مداوم او برای گذر از هیجان و رسیدن به آگاهی مواجه می‌شویم و باز هم نهادهای رسمی مسئولیت اقدامات تربیتی را برعهده دارند و نهاد خانواده، حداقل به عنوان بخشی از این مسیر، مورد اشاره قرار نمی‌گیرد. توجه به نهاد خانواده نگاه خُرد نیست و در سیاستگذاری در دنیای امروز، الزامات و بایسته‌های خود را دارد؛ کما اینکه امروزه یکی از نقدهای جدی بر بسیاری از جوامع - از جمله جمهوری اسلامی ایران - واگذاری تربیت به نهادهای دیگر است و به خصوص از وقتی فرزندان به مدرسه می‌روند، گویی نقش تربیتی خانواده به پایان می‌رسد. بنابراین نه تنها مشارکت خانواده در امر تربیت، بلکه محوریت آن در این میان، چیزی است که نیازمند بازنگری در اندیشه مورد بحث است.

## ۵) ابهام در نسبت مردم و حاکمیت در امر تربیت

بحث دوم درباره نقش تربیت و نسبت مردم و حاکمیت است. با رجوع به سخنرانی‌های ایشان که در دو کتاب ارزشمند **سنت‌های تاریخی در قرآن کریم** و **امامان اهل بیت** در دسترس است، این طور فهمیده می‌شود که سیدمحمدباقر صدر نقش نظارتی مردم را در حالت ابدن‌ال بیان می‌کند؛ اما با طرح «فقدان عصمت جمعی امت» آن را منتفی می‌داند؛ چه در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که بعد هیجان بر آگاهی غلبه کرد و همین باعث خطای امت شد و ادامه یافت، چه در دوران‌های دیگر در زمان امام علی علیه السلام و دیگر امامان اهل بیت علیهم السلام که به دلیل شرایط ویژه امکان تحقق کامل آگاهی بخشی رخ نداد. پرسش اصلی این است: آیا با این رویکرد بیان شده، طرح موضوع نظارت امت بر حکومت صرفاً مبحثی انتزاعی برای یک آرمان‌شهر نیست؟ این پرسش وقتی پررنگ‌تر و نیازمند افق‌گشایی بیشتر می‌شود که در می‌یابیم سایر حاکمان حتی خودشان نیز از عصمت بهره‌مند نبوده و نیستند و بنابراین انتظار از عصمت امت و درنهایت نقش نظارتی ایشان منتفی می‌شود.

این نکته‌ها - و نکاتی این‌چنین - آنجا اهمیت ویژه می‌یابد که پس از انقلاب اسلامی ایران و تا امروز، این مباحث به‌درستی گشوده نشده و ابهامات بسیاری را به دنیال داشته و دارد. به نظر می‌رسد ضمن نقد و بررسی دیدگاه‌ها، با توجه به نیاز اجتماعی روز، لازم است مباحثی از این دست، افق‌گشایی شده و پس از نقد و نظر، توسعه یابند تا تعارض‌ها یا نقاط کمتر شفاف و بدون پاسخ به عنوان خلأهای نظری و عملی وارد عرصه تحقیق و نیز گفت‌وگوهای جدی شوند.





## نتیجه‌گیری

انسانی که در او نور دین نهاده شده باشد، آنچه به عنوان علم خلق می‌کند، همان علم دینی است. در این صورت علم‌آموزی و علم‌ورزی خود یک سبک زندگی دینی است. با این رویکرد، در نگاه بسیاری از اندیشمندان اسلامی از جمله سیدمحمدباقر صدر تربیت انسان، هدف اساسی حکومت اسلامی قرار می‌گیرد و تمام فعالیت‌ها برای تنظیم سبک زندگی متعالی باید علم‌بنیان باشند و با این نگرش، علم نافع مبنای حرکت جامعه و شکل‌دهی به سبک زندگی عالمانه قرار می‌گیرد که با توجه به هویت جمعی و یکپارچه آن به تمام امور جامعه سامان می‌بخشد و در جهت هدف خلقت رهنمون می‌گردد. در این فرایند، معرفی الگوهای تربیت‌یافته این مکتب می‌تواند راه را هموار کند. از این روی نتیجه بررسی زیست علمی - اخلاقی سیدمحمدباقر صدر در چند بخش ارائه می‌شود:

اگر انگیزه عامل کلیدی در تحلیل رفتارهاست، در نگاه صدر تنها انگیزه که عامل پایداری در علم‌ورزی است، جلب رضایت خداوند است. به علاوه علم تنها برای حمایت از دین معنا می‌یابد و علم دینی تنها راه برای برون‌رفت از تنگنایهای فکری و عملی در دنیای معاصر است؛ به عبارت دیگر سیدمحمدباقر صدر اندیشمند و مولد علم دینی است که ضمن احساس مسئولیت اجتماعی و توجه ویژه به نیازهای امت و جامعه اسلامی، علم‌ورزی را وسیله‌ای برای آشناکردن زندگی مردم با اسلام معرفی می‌کند. بنابراین اخلاق‌مندی در عرصه زیست علمی برای او همان خیر عمومی است که در پرتو رسالت اسلامی محقق می‌شود. این رویکرد نه تنها در دیدگاه و آثار او بلکه در سیره عملی و علمی او نیز موج می‌زند. همین احساس مسئولیت که در راستای رسالت دینی است برای جلب رضای خداوند، انگیزه‌ای است که فارغ از نتیجه به حرکت و نشاط علمی منجر می‌شود.



یکی از مهم‌ترین دلایل ضرورت این مطالعه موردی، توجه به این نکته است که روند حرکت امثال سیدمحمدباقر صدر فارغ از حضور رویکرد نهادی به مسئولیت اجتماعی یا اهتمام نظام‌مند جامعه به چنین رویکردی، حتی گاهی خارج از عرف جامعه علمی رایج، چنین کنشی توسط ایشان رخ می‌دهد؛ چراکه نزد ایشان پسندیده‌بودن عمل نزد فطرت الهی و وجدان بیدار آدمی در پرتو دین کفایت می‌کند. بنابراین چنین کنشگری دشواری‌هایی دارد، اما آثار ارزشمند آن، راه را برای ایشان هموار کرد. در این مسیر عبادت و ایمان به نظارت خداوند به بیداری وجدان و پایداری در احساس مسئولیت درونی می‌انجامد که تبیین‌کننده نقش دین در مسیر تمدن بشری است. از آنجا که نهادها تقویت‌کننده و حافظ تمدن هستند، بر شکل‌گیری و تحول در آنها نیز ارزشی ویژه قایل است.

سیدمحمدباقر صدر با فهم علمی و نقادی، نیازسنجی، مسئله‌محوری و روش‌مندی زمینه را برای نگرش توحیدی فراهم می‌کند. او که دین را تنها علاج مسائل جوامع بشری می‌داند، با اتکا به آموزه‌های دینی، اندیشیدن مداوم در قرآن و سیره تلاش می‌کند و خلق دانشی جدید و نوآورانه را رقم می‌زند. در این مسیر عواملی مانند تمرین تفکر، اصالت تحقیق، تعهد علمی و مطالعات گسترده در دانش بشری مانند کاتالیزوری تسهیل‌کننده فرایند علم‌ورزی هستند که بر اعتبار آثار صحنه می‌گذارند و به دلیل اثربخشی، مخاطب گسترده‌ای می‌یابد که به خارج مرزهای زیست او کشیده شده است. شایان توجه است که به بیان امروزی مطالعات گسترده و متنوع در شکل‌گیری سبک زندگی میان رشته‌ای معطوف به حل مسائل واقعی ضرورت دارد که صدر از آن غافل نبوده است و این شیوه زیست علمی، او را به تفکر منظومه‌ای نزدیک کرده است. از آنجا که ضمن باور به علم دینی، آن را برای حل مسائل جامعه ضروری می‌دانست و معتقد بود این علم برخاسته از



دین باید با زندگی مردم آمیخته شود تا بدانند دین فرای تاریخ و زمان است، تلاش کرد به زبان مردم نزدیک شود و عمومی سازی علم را مبنایی برای عملکرد خود قرار دهد. شناخت نقاط قوت و سیره علمی و عملی سرمایه‌های انسانی در مسیر خلق علم دینی راهی است برای آنکه با قدم نهادن در این مسیر، این راه ناتمام ادامه یابد. بنابراین مشاهده هوشیارانه کاستی‌های اندیشه‌ای صدر مانند سایر اندیشمندان حاضر و غایب ضرورت دارد.

در این مجال سه نکته مورد توجه قرار گرفت که می‌تواند به عنوان خلأ اندیشه در منظومه فکری او مورد تجدید نظر قرار گیرد: یکی توجه به نهاد خانواده که در این منظومه فکری با همه قوامی که دارد، جای خالی پرداختن به آن مشاهده می‌شود و شاید به دلیل شرایط امروز و نیازهای نوپدید، ضرورت متفاوتی یافته است. دیگری تبیین صحیح و قابل اجرای سازوکار رابطه عناصر حکومت و رابطه نظارتی مردم با توجه به ویژگی‌های حکومت دینی و تحقق بخشی متناسب آن در دنیای امروزی با همه واقعیت‌های موجود است؛ به طوری که کارآمدی لازم را داشته و از آموزه‌ها و سیره رهبران دینی نیز بهره کافی برده باشد. در نهایت پیشنهاد می‌شود مراکز و مؤسسات علمی و اندیشکده‌ها و نهادهای تربیتی برای بالندگی نیروی انسانی سرآمد که ضمن داشتن استعداد و شایستگی‌های لازم، برای جامعه نیز کارآمد باشند، به چنین مصادیقی توجه کنند، این الگوها را شناخته و ارائه نمایند و سیاست‌های شایسته‌گزینی خود را بر معیارهایی قرار دهند که شتاب‌دهنده شکوفایی افرادی این چنین باشد. در ضمن بسترهای مطالعه، نقد و گفت‌وگو درباره آرای اندیشمندان در نظر گرفته شود تا ضمن شناخت عمیق، امکان نقادی و توسعه اندیشه به تناسب مسائل و نیاز روز فراهم شود؛ چراکه ماندگاری و بالندگی یک اندیشه به امتداد آن بستگی دارد و



لازم است این میراث قدر شناخته شود.

## منابع و مأخذ

۱. العاملی، محمد عبدالله ابوزید؛ **محمد باقر الصدر**: السيرة و المیسرة فی حقایق و وثائق؛ الجزء الاول، بیروت: المعارف للمطبوعات، ۱۴۲۷ق.
۲. —؛ **محمد باقر الصدر**: السيرة و المیسرة فی حقایق و وثائق؛ الجزء الثاني، بیروت: المعارف للمطبوعات، ۱۴۲۷ق.
۳. بازرگان هرنندی، عباس؛ **مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته**: رویکردهای متداول در علوم رفتاری؛ ویرایش چهارم، تهران: دیدار، ۱۳۹۹.
۴. حکیم، سیدمنذر؛ **جامعه‌ما**: در اندیشه و آثار شهید سیدمحمدباقر صدر؛ ترجمه مسعود فکری و همکاران؛ تهران: سروش، ۱۳۹۹.
۵. شگری، ساجده؛ **روایت مدیران از تربیت سیاسی دانش‌آموزان و تطبیق آن با اندیشه شهید محمدباقر صدر**؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۰.
۶. صدر، سیدمحمدباقر؛ **فلسفه‌ما**؛ ترجمه سیدابوالقاسم حسینی ژرفا؛ قم: دار الصدر، ۱۳۹۳.
۷. —؛ **امامان اهل بیت**: مرزبانان حریم اسلام؛ ترجمه رضا ناظمیان و حسام حاج مؤمن؛ قم: دار الصدر، ۱۳۹۴.
۸. —؛ **اسلام راهبر زندگی**؛ ترجمه مهدی زندیه؛ قم: دار الصدر، ۱۳۹۶.
۹. —؛ **اقتصاد ما**؛ ترجمه سیدابوالقاسم حسینی ژرفا؛ قم: دار الصدر، ۱۳۹۷.

۱۰. \_\_\_\_\_؛ انسان و عبادت؛ ترجمه نرگس خسروی؛ قم: دار الصدر، ۱۳۹۸، الف.
۱۱. \_\_\_\_\_؛ حوزه‌ها و بایسته‌ها؛ ترجمه سیدامید مؤذنی؛ قم: دار الصدر، ۱۳۹۸، ب.
۱۲. \_\_\_\_\_؛ سنت‌های تاریخی در قرآن کریم؛ ترجمه سیدجلال میرآقایی؛ قم: دار الصدر، ۱۳۹۹.
۱۳. کاتوزیان، ناصر؛ «اخلاق و حقوق»؛ فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری؛ ش ۱ - ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص ۸۵ - ۸۸.
۱۴. نعمانی، محمدرضا؛ شرح صدر: سیری در زندگی، زمانه و اندیشه استاد شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر؛ ترجمه اسماء خواجه نوری؛ قم: دار الصدر، ۱۳۹۹.

